



Obstacles to the implementation of social prevention strategy in Iran

Mohammad Javad Pour Hosseini¹, Zahra Hashemi Tabar²

Abstract

Field and Aims: Social prevention, including crime, is a purposeful struggle by identifying and eliminating their causes. Social prevention measures can be realized from two main strategies. The first strategy is to deactivate social mechanisms that cause crime and the second strategy is to activate society and social mechanisms to prevent crime

Method: This research was written with a descriptive-analytical approach.

Findings and Conclusions: Social crime prevention requires a multifaceted program that does not focus exclusively on a specific type of crime. The non-participation of government and community institutions, the lack of institutionalization of the prevention strategy among those in charge of criminal policy, and the focus on the situational prevention strategy due to its early effectiveness are considered as the most important obstacles to the implementation of the crime prevention strategy, which seems to be the cooperation of the authorities and The use of optimal cooperative crime policy can benefit from social prevention in preventing or reducing crime in Iran.

Keyword: Crime, Social Prevention, Implementation Obstacles, Institutionalization.

*Citation (APA): Pour Hosseini, M; Hashemi Tabar, Z.; Vali Toeserkani, H. (2024). Obstacles to the implementation of social prevention strategy in Iran. *Applied criminology research*, 2(3), 1-27.

https://qacr.ir/article_717880.html?lang=en

1 . Assistant Professor, Department of Law, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran. Email: Pourhosseini1551@gmail.com

2. Master of Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. (Author). Email: Z.hashemi@gmail.com



موانع اجرای راهبرد پیشگیری اجتماعی در ایران

محمدجواد پورحسینی^۱، زهرا هاشمی تبار^۲✉

چکیده

زمینه و هدف: پیشگیری اجتماعی از جمله جرم، مبارزه‌ای هدفمند از طریق تشخیص و حذف عوامل آن‌هاست. تدابیر پیشگیری اجتماعی از دو راهبرد اصلی قابل تحقق هستند. راهبرد اول، غیرفعال کردن مکانیسم‌های اجتماعی جرم‌زا و راهبرد دوم، فعال کردن جامعه و مکانیسم‌های اجتماعی پیشگیری از جرم است.

روش: این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی نگارش یافته است.

یافته‌ها و نتایج: پیشگیری اجتماعی از جرم مستلزم وجود یک برنامه چندوجهی است که منحصرأ بر نوع خاصی از جرم تمرکز نکند. عدم مشارکت نهادهای دولتی و جامعه‌ی، فقدان نهادینه‌شدن راهبرد پیشگیری در میان متولیان سیاست جنایی و تمرکز بر راهبرد پیشگیری‌های وضعی به دلیل زودبازدهی بودن به عنوان مهمترین موانع اجرای راهبرد پیشگیری از جرم محسوب می‌شود که به نظر می‌رسد با هم‌افزایی مسئولان امر و به‌کارگیری سیاست جنایی مشارکتی مطلوب می‌توان از پیشگیری اجتماعی در جلوگیری یا کاهش بزهکاری در ایران بهره‌مند شد.

کلیدواژه‌ها: جرم، پیشگیری اجتماعی، موانع اجرا، نهادینه‌سازی.

* استناددهی (APA): محمدجواد، پورحسینی و هاشمی تبار، زهرا. (۱۴۰۳). موانع اجرای راهبرد پیشگیری اجتماعی در ایران. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۲(۳)، ۱-۲۷.

https://qacr.ir/article_717880.html

۱. استادیار گروه حقوق، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران. رایانامه: Pourhosseini1551@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول).
رایانامه: Z.hashemi@gmail.com

مقدمه

امروزه، نظام‌های حقوقی کشورهای پیشرفته پیشگیری از جرم را به عنوان رویکردی بهینه و مؤثر به رسمیت شناخته و در قالب برنامه‌های متنوع اجرا می‌کنند (بابایی و نجیبیان، ۱۳۹۰: ۵). در واقع، می‌توان ادعا کرد که مهمترین گام در بحث پیشگیری از جرم، اقدامات غیرکیفری قبل از وقوع آن می‌باشد؛ زیرا اقدامات کیفری به تنهایی موفق به کسب موفقیت چشمگیری در کاهش بزهکاری نشده‌اند.

یکی از تقسیم‌بندی‌های پیشگیری اجتماعی به دو گونه جامعه‌مدار و رشدمدار است که در جهت اصلاح ساختار شخصیتی افراد و همین‌طور اصلاح ساختارهای اجتماعی تلاش می‌نماید. اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران امر پیشگیری از جرم را در زمره یکی از وظایف قوه قضاییه قرار داده است. با این حال، نظام عدالت کیفری تنها می‌تواند در پیشگیری کیفری مداخله نماید و به موجب وظایف پیش‌بینی شده برای دولت در اصول بیست‌وهشتم تا سی‌ویکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تأمین رفاه اجتماعی و حذف بسترهای اجتماعی ارتکاب جرم در حیطه وظایف قوه مجریه قرار گرفته است.

پیشگیری اجتماعی از جرم بر ساختن کسانی تمرکز دارد که در خطر بزهکاری قرار دارند و احساس یکپارچگی کمتری را با جامعه می‌کنند و به دو نوع تقسیم می‌شود: پیشگیری اجتماع‌مدار که در پی خنثی‌سازی عوامل جرم‌زا در محیط اجتماعی است. از این رو، اقدام‌های ناظر بر آموزش و پرورش، اشتغال‌زایی، فقرزدایی، تهیه مسکن، ایجاد رفاه اجتماعی و اقتصادی که نقش مؤثری در شکل‌گیری شخصیت افراد ایفا می‌نمایند، در چارچوب این نوع پیشگیری جای می‌گیرند. هدف ما از تدوین این مقاله، مشروعیت‌سازی و نهادینه‌سازی خلاءهای قانونی در عرصه اجرای جرائم و آسیب‌های اجتماعی، نقاط ضعف و ابهام فرایندهای سیاست‌گذاری در جهت از میان برداشتن موانع اجرایی، تبیین پیشنهادهای مبتنی بر ایدئولوژی‌های خاص و دور از واقعیت‌های اجتماعی که آثار زیان‌باری در جهت اجرای پیشگیری از جرائم به همراه دارد، است.

مبانی نظری

تعریف پیشگیری از جرم

پیشگیری مجموعه اقدام‌ها و تدابیر غیرقهرآمیز است که با هدف خاص مهار بزهکاری و کاهش احتمال وخامت جرم، پیرامون علل جرائم اتخاذ می‌شود. در این تعریف، اقدام پیشگیرانه، اقدام غیرقهرآمیزی است که بر عوامل جرم‌زا اعمال می‌شود (نجفی ابرند آبادی،

۱۳۸۷: ۱۲۲۹). در واقع، پیشگیری مستلزم آن است که ابتدا، علت‌شناسی اولیه از جرم صورت بگیرد.

گونه‌های پیشگیری از جرم

در مورد انواع پیشگیری، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از منظرهای مختلف صورت گرفته است. این تقسیم‌بندی‌ها فراتر از تقسیم‌بندی‌های صرف نظری هستند و به جنبه‌های متنوع مداخلات پیشگیرانه اشاره دارند (نوروزی و دیگران، ۱۳۹۰).

مطابق معیار زمان مداخله، به دو گونه کنشی (قبل از ارتکاب جرم) و واکنشی (پس از ارتکاب جرم)، بر اساس معیار سطح مداخله به سه دسته نخستین (برای همه افراد)، دومین (برای افراد آسیب‌پذیر) و سومین (برای افرادی که مرتکب جرم شده‌اند)، مطابق معیار قلمرو مداخله به دو دسته عمومی (با تمرکز به عوامل عمومی جرم) و اختصاصی (با تمرکز بر علل اختصاصی جرم)، بر اساس معیار سازمان مداخله‌کننده به سه گونه اجتماعی (نهادهای دولتی و غیردولتی فعال در مسائل اجتماعی)، انتظامی (نهاد پلیس) و قضایی (مراجع رسیدگی‌کننده به جرم) و مطابق نوع مداخله به کیفری (از طریق سازوکارهای نظام عدالت کیفری) و غیرکیفری دسته‌بندی می‌شود (عباچی، ۱۳۸۶).

پیشگیری از طریق توسعه اجتماعی

سازمان ملل متحد در ماده ۲۵ قطعنامه فوق‌الذکر و تحت عنوان پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی، به دولت‌های عضو توصیه می‌کند که عوامل خطر جرم و بزه‌دیدگی را از طرق زیر مورد هدف قرار دهند:

- ۱) ترویج عوامل حمایتی از طریق برنامه‌های جامع و موفق توسعه اجتماعی و اقتصادی از جمله در زمینه بهداشت، تحصیل، مسکن و اشتغال؛
- ۲) ترویج فعالیت‌هایی که حاشیه‌نشینی و محرومیت را مورد هدف قرار دهند؛
- ۳) ترویج راه‌حل‌های برخورد مثبت؛
- ۴) استفاده از راهبردهای آموزش و آگاه‌سازی عمومی برای رواج فرهنگ قانون‌مداری و انعطاف در عین احترام به هویت‌های فرهنگی (همان: ۱۷).

پیشگیری عمومی و پیشگیری اختصاصی

در پیشگیری عمومی، کلیه عوامل جرم‌زای مربوط به جرائم مختلف هدف تدابیر پیشگیرانه قرار می‌گیرند؛ مانند افزایش سطح رفاه عمومی و توسعه اجتماعی که در پیشگیری از طیف وسیعی از جرائم تاثیرگذار است. در حالی که در پیشگیری اختصاصی، عوامل خطر مربوط به جرم خاص در دایره شمول اقدامات پیشگیرانه واقع می‌شود؛ مانند تقویت قفل و بست منازل که در پیشگیری و کاهش جرم سرقت از منازل مؤثر است یا نصب دزدگیر روی خودروها موجب پیشگیری از سرقت خودرو می‌شود.

پیشگیری وضعی^۱ و پیشگیری اجتماعی^۲

این دسته‌بندی در حال حاضر، رایج‌ترین دسته‌بندی از اقدامات پیشگیرانه به شمار می‌رود. جرم‌شناسان استرالیایی اهمیت فراوانی برای این تقسیم‌بندی قائلند (انجمن علمی جرم‌شناسی استرالیا، ۲۰۰۲: ۵). پیشگیری وضعی با در نظر گرفتن این واقعیت که علیرغم بکار بستن تدابیر مختلف پیشگیری اجتماعی، باز هم شاهد بزهکاری و بزه‌دیدگی هستیم و عملاً، حذف بزهکاری غیرممکن است و با در نظر گرفتن وضعیت ماقبل بزهکاری، درصدد تغییر وضعیت مشرف بر جرم و تبدیل معادله جرم به ضرر مجرم است.

پیشگیری اجتماعی سعی دارد که علل و عوامل خطرزای بزهکاری و بزه‌دیدگی را مورد هدف‌گیری قرار دهد. این قسم از پیشگیری تلاش دارد که از تولید بزهکار یا بزه‌دیده جلوگیری کند. البته، در اکثر متون غربی، از این نوع پیشگیری با عنوان «پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی» نیز نام برده شده است. پیشگیری اجتماعی در واقع، اقدامات مداخله‌ای در محیط عمومی، شخصی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را شامل می‌شود.

مفهوم پیشگیری اجتماعی

بی‌تردید، مهم‌ترین و نزدیک‌ترین عاملی که در بروز بزهکاری نقش اساسی و مستقیمی ایفا می‌کند، اراده مجرم است که گذار از مرحله انگیزه و تصمیم به ارتکاب بزه را تا تحقق کامل آن هموار می‌کند. واقعیت آن است که دو دسته از عوامل موجب بروز افکار و اراده مجرمانه می‌شود. دسته اول عواملی هستند که مشکلات حاد درونی از درون بر افکار و اراده فرد اثر می‌گذارد و او را به سمت بزه سوق می‌دهد. دسته دوم نیز شامل علل و عوامل بیرونی از قبیل

1. Situational Crime Prevention
2. Social Crime Prevention

محیط‌های ناسالم و جرم‌زا و وضعیت فرهنگی، اجتماعی و تربیتی است که زمینه ارتکاب جرم را در فرد فراهم می‌آورد. بنابراین، کنترل جرم بدون در نظر گرفتن عواملی که بر اراده و انگیزه مجرمانه تأثیر داشته باشد، عملاً امکان‌پذیر نیست (بیات و دیگران، ۱۳۸۷).

پیشگیری اجتماعی برخلاف پیشگیری وضعی که بر موقعیت جرم‌زا تمرکز دارد، به مجرم احتمالی و محیط پیرامونی او می‌پردازد. بر این اساس، رویکرد پیشگیری اجتماعی از جرم، تقویت روابط اجتماعی، افزایش سطح کنترل غیررسمی اجتماعی و در نتیجه، بازدارندگی بزهکاران بالقوه و بالفعل از ارتکاب جرم است. به عبارت دیگر، پیشگیری اجتماعی از جرم بر ساختن کسانی تمرکز دارد که در خطر بزهکاری قرار دارند و احساس یکپارچگی کمتری را با جامعه می‌کنند (پیشگفتار پیشگیری از جرائم اجتماعی^۱، ۲۰۰۷: ۱).

تعاریف لغوی پیشگیری اجتماعی

در مورد فلسفه و پیشینه استفاده از این واژه برای نامیدن نوع خاصی از پیشگیری اتفاق‌نظری وجود ندارد. به اعتقاد گسن، این نوع پیشگیری چون حاصل تجربیات پیشگیرانه مددکاران اجتماعی در زمینه مبارزه با ناسازگاری محیطی جوانان بزهکار و بدون مداخله بخش‌های پلیس و دادگستری بوده است، به این دلیل پیشگیری اجتماعی گفته شده است (گسن، ۱۳۷۰). بر این اساس، در این دسته از پیشگیری تلاش شده است تا تعریف ارائه‌شده از پیشگیری اجتماعی فاصله زیادی با مفهوم «اجتماعی‌بودن» نداشته باشد. برخی منظور از پیشگیری اجتماعی را «پیشگیری برای جامعه» فرض کرده و جامعه را به عنوان مخاطب و موضوع پیشگیری قلمداد نموده‌اند. برخی دیگر آن را به مفهوم «پیشگیری در جامعه» در نظر گرفته و جامعه را به عنوان بستر بزهکاری مد نظر داشته‌اند که باید تدابیر پیشگیرانه هم در همان محیط و همان بستر اجرا شود و گروه سوم نیز آن را به مفهوم «پیشگیری با جامعه» فرض کرده و جامعه را نه به عنوان شریک بزهکاری، بلکه به عنوان شریک اقدامات پیشگیرانه در نظر گرفته‌اند. گروهی هم ترکیبی از هر سه را در ذهن داشته‌اند.

واژه «پیشگیری اجتماعی از جرم» می‌تواند بر تمام برنامه‌هایی اعمال شود که سعی در تغییر شرایط یا الگوهای رفتاری، ارزش‌ها یا خودانضباطی برای کاهش احتمال وقوع بزهکاری دارند. برخی تدابیر پیشگیری اجتماعی از جرم عبارتند از: برنامه‌های حمایت مالی از والدین،

آموزش اوان کودکی، حمایت ویژه از کودکان محروم، برنامه‌های تبلیغی برای تغییر تمایل مردان برای استفاده از خشونت در روابط خانوادگی و امثالهم.^۱

تعاریف اصطلاحی پیشگیری اجتماعی

تعاریف متعددی از پیشگیری اجتماعی از جرم ارائه شده است. مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم، پیشگیری اجتماعی از جرم را به این نحو تعریف کرده است: «هر چیزی که بزهکاری، خشونت و ناامنی را از طریق هدف‌گیری موفقیت‌آمیز علل شناخته‌شده جرم (از طرق علمی)، کاهش دهد» (پالمری^۲، ۲۰۰۱: ۳).

دولت آفریقای جنوبی نیز در سال ۱۹۹۸ تعریف مشابهی را ارائه کرده و پیشگیری اجتماعی از جرم را «کاهش عوامل اجتماعی، اقتصادی و محیطی زمینه‌ساز انواع خاصی از جرائم» دانسته است.^۳

اما، اداره پیشگیری از جرم دادگستری استرالیا تعریف زیر را از پیشگیری اجتماعی از جرم مطرح کرده است: «پیشگیری اجتماعی از جرم به دنبال پیشگیری از بزهکاری از طریق تغییر جامعه بجای تغییر در محیط فیزیکی است. بنابراین، تدابیر پیشگیری اجتماعی ابزارهایی را برای استفاده در تلاش برای کاهش رفتار مجرمانه از طریق تغییر شرایط اجتماعی به جوامع ارائه می‌دهند» (پیشگفتار پیشگیری از جرائم اجتماعی، ۲۰۰۷: ۱).

در تعریفی دیگر، پیشگیری اجتماعی به عنوان تلاش برای حل مسائل رفتار مجرمانه با پرداختن به ریشه‌های جرم تعریف شده است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳).

پیشگیری اجتماعی کلاسیک (پیشگیری اجتماع‌مدار)

پیشگیری جامعه‌مدار یا پیشگیری محیطی، کهن‌ترین گونه پیشگیری فردمدار است که با تکیه بر ظرفیت محیط‌ها، به ویژه محیط‌های پیرامون افراد، به دنبال پیشگیری از جرم است. این نوع پیشگیری با به‌کارگیری اقدام‌های غیرقهرآمیز اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در محیط‌های مختلف، درصدد از بین بردن عوامل محیطی جرم‌زا یا دست‌کم کاهش تأثیر آنها بر افراد است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷).

1. The Crime Prevention Digest
2. Palmry
3. Ibid

جرم‌شناسی پیشگیری

نظریه‌پردازان و اندیشمندان مختلفی به بحث از جرم و عوامل مؤثر بر پیدایش آن پرداخته‌اند. برخی آن را حاصل ویژگی‌های جغرافیایی و یا زیستی دانسته و گروهی معتقد بوده‌اند که عوامل روان‌شناختی و شخصیتی از مهمترین عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم است؛ عده‌ای نقش جامعه را در بروز جرائم پررنگ‌تر دیده‌اند و سرانجام، برخی جرم را برساخته ذهنیت، زبان و قدرت دانسته و با رویکرد نوینی سعی در تبیین آن داشته‌اند.

تعریف جرم کار آسانی نیست. گفته‌اند جرم عملی است که نظم اجتماعی را برهم می‌زند، اما این تعریف نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه یک مشکل را به سه مشکل زیر تبدیل می‌کند:

۱. منظور از نظم چیست؟
۲. منظور از اجتماع کدام اجتماع است؟
۳. تشخیص این امر با کیست؟

بنابراین، هر جا که قانون وجود دارد، جرم نیز وجود دارد؛ زیرا ساده‌ترین تعریف جرم عبارت است از هر شیوه رفتاری که قانون را نقض می‌کند (گیدنز^۱، ۱۳۸۳). در قانون مجازات اسلامی، جرم این‌گونه تعریف شده است: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازاتی تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود».

فلسفه پیشگیری اجتماعی

در کنار این نظریه که علل جرم اجتماعی هستند، دیدگاهی رشد کرده است که بطور روزافزون بر علل اقتصادی - اجتماعی و فرصت‌های جرم تمرکز دارد؛ مثلاً، مکتب شیکاگو از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ برنامه‌هایی را در مورد پیشگیری اجتماعی از جرم در شیکاگو طراحی و اجرا کرد.^۲ مطابق فلسفه زیربنایی این رویکرد، تمام مردم چنانچه در اوضاع و احوال خاصی واقع شده و فرصت جرم را به دست آورند، مرتکب بزه خواهند شد. این دیدگاه، همکاری بین سازمان‌های رفاه و تأمین اجتماعی، دولت و جامعه مدنی و حمایت بزهکاران بالقوه را برای موفقیت پیشگیری ضروری می‌داند. در این دیدگاه، هنجارمندی جرم (یعنی تلقی جرم به عنوان امری عادی در جامعه) نیز پذیرفته شده است (برخلاف گروهی که بزهکاران را اقلیتی بیمار می‌دانند که هنجارهای جامعه را نقض می‌کنند). (پالمری، ۲۰۰: ۲).

1. Giddens
2. Social Crime Prevention Fact Sheet

یافته‌ها

پیشگیری اجتماعی و اجرای آن در ایران

بزهکاری همواره به نظم عمومی صدمه وارد می‌نماید و سیاست‌های مهار بزهکاری در هر جامعه‌ای بخش مهمی از سیاست‌گذاری‌های کلان کشور را تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه ارتکاب جرم همه بخش‌های جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، مسلماً همه نهادهای حکومتی باید در امر مهار بزهکاری مشارکت داشته باشند.

نهادهای مؤثر در پیشگیری اجتماعی

پیشگیری در مرحله پیش از ارتکاب جرم به معنای مداخله زودهنگام جهت جلوگیری از به‌فعلیت‌رسیدن قصد مجرمانه، پیشگیری غیرکیفری و خارج از تشکیلات قضایی است. برخی کشورها از جمله انگلستان، دستگاه‌های اجرایی را مسئول پیشگیری از جرم قرار داده‌اند؛ به دلیل اینکه نهادهای مذکور امکانات کافی جهت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در این خصوص را در اختیار دارند (نیازپور، ۱۳۸۲: ۱۴۰). بنابراین، مشارکت همه نهادهای دولتی و مردمی در اقدامات پیشگیرانه ضروری است و نمی‌توان صرفاً یک نهاد یا سازمان خاص را متولی این امر دانست.

نقش قوه مجریه در پیشگیری اجتماعی

مهم‌ترین دلیل حضور قوه مجریه در این عرصه، حفظ نظم عمومی جامعه است. ارتکاب جرم نظم عمومی جامعه را مختل نموده و ریشه در شرایط نامناسب اجتماعی و اقتصادی دارد. قوه مجریه نیز علاوه بر وظیفه تأمین امنیت جامعه و حفظ نظم، نقش مؤثری در ایجاد رفاه اجتماعی و کاهش مشکلات اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی ایفاء می‌نماید. در واقع، دولت با انجام وظایفی که طبق اصول بیست‌وهشتم تا سی‌ویکم قانون اساسی برعهده دارد، در حذف بسترهای ارتکاب جرم مشارکت می‌نماید.

بر این اساس، با توجه به وظایف هر یک از نهادهای دولتی و وزارتخانه‌ها، از جمله وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و وزارت رفاه، مشاهده می‌شود که آنچه اقدامات اجتماعی پیشگیرانه نام گرفته است، در حوزه وظایف این وزارتخانه‌ها قرار دارد. علاوه بر وزارتخانه‌ها، نهادهای دیگری نیز در زیرمجموعه قوه مجریه می‌توان یافت که در امر پیشگیری از جرم دخیل هستند؛ از جمله ستاد مبارزه با مواد مخدر. ماده ۳۳ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر، برای ستاد مبارزه با مواد مخدر با ریاست رئیس‌جمهور به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی

کشور پس از مقام رهبری، وظایفی در جهت پیشگیری از قاچاق مواد مخدر پیش‌بینی نموده است. پیشگیری اجتماعی با ایجاد تغییر و اصلاح در افراد و شرایط اجتماعی، به دنبال کاهش ارتکاب جرم به صورت پایدار و همیشگی است و با بهره‌گیری از تدابیر مختلف درصدد اثرگذاری بر تکوین شخصیت افراد است (نیازپور، ۱۳۸۲: ۹۷). پیشگیری اجتماعی در واقع، به برنامه‌های درازمدت جهت اصلاح محیط اجتماعی می‌اندیشد. در واقع، پیشگیری جامعه‌مدار با بهبود شرایط زندگی اجتماعی در یک محیط معین به طور مستقیم بر رفتار مجرمانه فرد تأثیر می‌گذارد و همچنین، بر اصلاح شرایط اجتماعی و تأمین رفاه تأکید دارد. بنابراین، نهاد مسئول (قوه مجریه) در این زمینه وظیفه دارد تا برای بهینه‌سازی وضعیت اقتصادی جامعه، فقرزدایی و حل معضل بیکاری و مسکن افراد جامعه تلاش نماید.

به نظر می‌رسد قانون‌گذار در حیطه وظایف قوه مجریه صراحتاً به پیشگیری از جرم اشاره نموده و این امر موجب شده است تا در برنامه‌ریزی و حتی پیش‌بینی بودجه این قوه، پیشگیری از جرم دارای جایگاه مشخصی نباشد. در حالی که بسیاری از وظایف این قوه می‌تواند جنبه پیشگیرانه داشته باشد و عملکرد وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های زیرمجموعه دولت تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای در این امر دارد.

موانع پیش روی قوه قضائیه در پیشگیری اجتماعی

اصلی ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در مقام بیان وظایف قوه قضائیه به پیشگیری از جرم نیز اشاره نموده است. آنچه که از مفاد اصلی مذکور برداشت می‌شود، این است که یکی از وظایف قوه قضائیه، امر پیشگیری از جرم است؛ اما با توجه به محدوده اختیارات قوه قضائیه، به نظر می‌رسد که بخش مهمی از بحث پیشگیری از جرم متناسب با ابزار و امکانات این قوه نیست. در واقع، تنها پیشگیری کیفری یا سطح سوم که ناظر بر وضعیت پس از ارتکاب بزه می‌باشد، در زمره وظایف قوه قضائیه است. البته، قوه قضائیه در مقابله با بزهکاران برای پیشگیری از تکرار جرم آنها وارد برنامه‌های جامعه‌محوری می‌شود که نامشان ضمانت اجرای جرم است، ولی لزوماً تنبیهی و قهرآور نیستند. وقتی نظام عدالت کیفری برای بزهکار بار نخست یا بزهکار جرائم کم اهمیت یا بزهکار زیر سن هجده سال، ضمانت اجراهایی چون خدمات عام‌المنفعه، جایگزین‌های حبس، حبس خانگی، تعویق صدور حکم، دوره مراقبت و مانند اینها تعیین می‌کند، وارد برنامه‌های جامعه‌محور شده است. حتی زمانی که این نهاد از طریق اعمال نظریه عدالت ترمیمی اقدام به قضازدایی می‌نماید، وارد برنامه‌های اجتماعی، اما در قالب ضمانت اجرا شده است. در واقع، قوه قضائیه برنامه‌های واکنشی با

هدف پیشگیری از تکرار جرم را اعمال می‌نماید که باز هم نیازمند مساعدت نهادهای دولتی است. با این حال، باید توجه داشت که مفهوم پیشگیری اجتماعی به معنای حذف و به حداقل رساندن بسترهای جرم‌زا است و سیاست‌های پیشگیری از جرم در بلندمدت از وظایف آموزش و پرورش و سازمان‌های مرتبط با مسائل ارتباط جمعی و غیره است. بنابراین، پیشگیری اجتماعی و وضعی از جرم در مرحله ماقبل بزهکاری، امری غیرقضایی است و بهترین شیوه، سپردن این امر به قوه مجریه است. در قانون پیشگیری از جرم نیز قوه قضائیه به عنوان متولی و هماهنگ‌کننده نظام پیشگیری در نظر گرفته شده و شورای عالی پیشگیری از جرم، به عنوان یکی از نهادهای برنامه‌ریز و سیاست‌گذار در این زمینه پیش‌بینی شده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۵۶۴). قوه قضائیه برای اجرای سیاست‌های پیش‌بینی شده در پیشگیری اجتماعی، ابزار مناسب را در اختیار ندارد و نیازمند ورود قوه مجریه در این عرصه می‌باشد؛ به عنوان نمونه، بخش مهمی از پیشگیری اجتماعی به بهبود شرایط اقتصادی جامعه اختصاص دارد که در محدوده اختیارات قوه قضائیه تعریف نشده است. در واقع، ابتکار عمل در زمینه بسیاری از تدابیر پیشگیرانه اجتماعی مانند بهینه‌سازی اقتصاد، آموزشی و غیره در اختیار قوه مجریه است. مدیریت نظام آموزشی و اقتصادی و فرهنگی جامعه از حیثه کاری قوه قضائیه خارج است و قوه مجریه از طریق وزارتخانه‌های مربوطه می‌تواند نقش قابل توجهی در پیشگیری اجتماعی ایفا نماید.

بنابراین، به نظر می‌رسد مهم‌ترین مانعی که بر سر راه قوه قضائیه در این امر وجود دارد، فقدان اختیارات و امکانات کافی برای اصلاح شرایط اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی است. در واقع، تدابیری که می‌تواند در مرحله پیش از ارتکاب جرم موجب پیشگیری شود، از حوزه اختیارات این قوه خارج است. بنابراین، قوه قضائیه بدون تعامل و حضور قوه مجریه نمی‌تواند در امر پیشگیری از جرم به نتیجه مطلوب دست یابد.

تقسیم بندی نهادهای مسئول در برابر پیشگیری از جرائم

به طور کلی، می‌توان سازمان‌های دخیل در پیشگیری از جرائم را با توجه به وظیفه و ماهیت وجودیشان به چند دسته تقسیم کرد. این تقسیم‌بندی در جدول زیر آمده است:

جدول ۱- رویکرد نهادهای مهم در مقابل مسائل اجتماعی

برخی از مهم‌ترین نهادها	رویکرد نسبت به مسئله اجتماعی
صداوسیما، جمهوری اسلامی ایران، آموزش و پرورش	آگاه‌سازی

مداخله‌ای	نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه، سازمان زندان‌ها
توانمندسازی	سازمان بهزیستی کشور، سازمان تأمین اجتماعی، وزارت آموزش و پرورش

از جدول فوق نیز مشخص است که کارکرد برخی از نهادها با یکدیگر همپوشانی دارد و نمی‌توان این تقسیم‌بندی را قاطعانه اعلام کرد. با این حال، نباید از یاد برد که هر سه مرحله آگاه‌سازی، مداخله و توانمندسازی نیازمند آمارهای دقیق است. فقدان آمارهای دقیق می‌تواند هر سازمانی را در زمینه فعالیتش زمین‌گیر سازد. از این رو، پیشنهاد می‌شود تا اولاً، یک سازمان مشترک در میان سازمان‌ها و نهادهای مسئول در این عرصه شکل بگیرد و وظیفه تولید رسمی آمار جرائم در کشور را به دوش بکشد. همان‌گونه که در درون کشور آمارهای اقتصادی از سوی بانک مرکزی و مرکز آمار اعلام می‌شود، نیاز است تا سازمانی نیز وظیفه اعلام آمارهای مربوط به جرائم را برعهده بگیرد. دوم اینکه چون تولید آمارهای دولتی ممکن است با مشکلات زیادی روبرو باشد، نیاز است تا از سازمان‌های غیررسمی در این عرصه حمایت شود تا این سازمان‌ها نیز بتوانند داده‌های مورد نظر مسئولان را در اختیارشان قرار دهند. پرهیز از نگاه صرفاً امنیتی در عرصه جرائم و به ویژه داده‌های آماری این بخش، مهم‌ترین گامی است که هر یک از نهادهای فوق می‌توانند در عرصه فعالیت خویش به آن جامه عمل ببوشانند.

تدابیر پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی از طریق آگاهی‌بخشی و اصلاح باورهای دینی

اولین تکنیک از پیشگیری اجتماعی، آگاهی‌بخشی و اصلاح باورهای دینی است. از آنجا که رفتارهای آدمی به شدت متأثر از نگرش و باورهای وی می‌باشد، بر همین اساس، در الگوی ایرانی پیشگیری اجتماعی توجه ویژه‌ای به اصلاح و نگرش و باورهای فردی و اجتماعی معطوف است. در این تکنیک، چهار تکنیک فرعی قابل ذکر است که به ترتیب شامل:

- ۱) اصلاح نگرش و تقویت باورهای دینی؛
- ۲) ترویج و تقویت ارزش‌ها، هنجارها، اخلاق و رفتار دینی؛
- ۳) ارتقای آگاهی عمومی و اختصاصی در مورد جرائم و انحرافات؛
- ۴) خنثی‌سازی عملیات روانی مروجین جرم یا انحراف می‌شوند.

پیشگیری اجتماعی از جرم از طریق مدیریت نیازها

بدون تردید، ارتکاب جرم نیز همانند سایر اعمال انسان در راستای پاسخ به نیازهای روزمره صورت می‌گیرد. همه انسان‌ها به طور طبیعی نیازهای مشترکی دارند. برای برخی از افراد رسیدن به این نیازها و تأمین آن‌ها از طریق قانونمند امکان‌پذیر است، اما گروه دیگری از افراد یا نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند نیازهای خود را از طرق قانونی و مشروع تأمین کنند و به همین دلیل، به سراغ بزهکاری می‌روند؛ بنابراین، یکی از طرق پیشگیری اجتماعی، مدیریت نیازهای روزمره افراد خواهد بود. این تکنیک خود به سه تکنیک اصلی قابل تقسیم می‌شود، شامل:

(۱) شناسایی و تأمین نیازهای مشروع مرتبط با جرم یا انحراف؛

(۲) اصلاح فرایند تأمین نیازهای محرک جرم یا انحراف؛

(۳) حذف یا جایگزینی نیازهای قالب.

پیشگیری اجتماعی از جرم از طریق توانمندسازی فردی و اجتماعی

عوامل خطر جرم به صورت طبیعی در هر جامعه‌ای وجود دارند، اما فقط تعداد خاصی از افراد در برابر آن‌ها تسلیم شده و مرتکب جرم می‌شوند. هرچند که وسوسه خطر همانند ویروس‌های بیماری‌زا گریبان‌گیر همه افراد جامعه است، لیکن برخی افراد در مقابل این عوامل مقاومت ندارند و خیلی سریع تسلیم می‌شوند. در مقابل، افراد توانمندی وجود دارند که به راحتی تسلیم شرایط خطرساز نشده و به دنبال غلبه بر عوامل خطر و از بین بردن آن‌ها هستند. در حالت متعارف، توانمندسازی فردی و اجتماعی با توجه به شرایط و سنت‌های جامعه ایرانی از چهار طریق عمده انجام‌پذیر است:

(۱) ارتقای مهارت‌های اساسی زندگی؛

(۲) تقویت بازسازی اجتماعی؛

(۳) ارتقای سرمایه اجتماعی؛

(۴) گسترش فریضه امر به معروف و نهی از منکر.

تقویت کنشگران اجتماعی

یکی از راهکارهای ایجابی در پیشگیری اجتماعی از جرم، تقویت کنشگران اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر شکل‌گیری گرایش‌ها و تمایلات افراد است. واقعیت این است که برخی از لایه‌های اجتماعی بیشتر از سایرین در شکل‌دهی به گرایش‌ها نقش‌آفرین هستند. توجه به ارتقای این نهادها و تقویت کنشگران اجتماعی و فرهنگی از پنج طریق امکان‌پذیر است:

- ۱) تقویت نقش و جایگاه خانواده؛
- ۲) تقویت نقش و جایگاه محله؛
- ۳) تقویت نقش و جایگاه نهادهای مذهبی؛
- ۴) تقویت نقش و جایگاه نهادهای آموزشی؛
- ۵) مدیریت و نظارت بر اماکن، فعالیت‌ها و فرآورده‌های فرهنگی.

تأثیر بحران هویت بر پیشگیری اجتماعی از جرم

هویت فرد که در نتیجه شناسایی فرد از خویشتن و واقعیت‌های پیرامون آن شکل می‌گیرد، به عنوان عامل پیوند فرد و جامعه، مؤلفه مهم جامعه‌پذیری است. احساس هویت در هر جامعه‌ای وابسته به فرایند سازگاری با محیط اجتماعی و همبستگی و پیوند با ارزشی‌های جامعه است که با آسیب‌دیدن آن، بحران هویت پدیدار می‌گردد. هویت بحران‌زده که در نتیجه نگرش فرد به عناصر اثرگذار و سازنده شخصیت وی پدید می‌آید، فرد را ناتوان از جامعه‌پذیری و وفاق اجتماعی می‌سازد. در ادامه، به بررسی پیامدهای بحران هویت بر فرایندها و منابع هویت‌سازی مؤثر بر جامعه‌پذیری و تأثیرپذیری پیشگیری اجتماعی از بحران هویت فرهنگی پرداخته می‌شود.

تضعیف مؤلفه‌های پیشگیری اجتماعی از جرم

جهانی‌شدن فرهنگ تغییرات گسترده و عمیقی را به وجود آورده است تا جایی که تمامی عرصه‌های زندگی را در بر می‌گیرد و روابط انسان‌ها با دیگری و روابط آن‌ها با زمان و مکان را تغییر می‌دهد و موجب دگرگونی و تحول در ساختار روابط و نهادهای اجتماعی و در نهایت، گسست در فرایند جامعه‌پذیری افراد جامعه می‌گردد. همچنین، با ایجاد تغییر و تحول در روابط اجتماعی و نهادهای اجتماعی، فرایند جامعه‌پذیری را به عنوان مهم‌ترین عامل پیشگیری اجتماعی از جرم با چالش مواجه می‌سازد. روابط اجتماعی و نهادهای اجتماعی مؤلفه‌های مؤثر در جامعه‌پذیری و در نتیجه، پیشگیری اجتماعی از جرم هستند که تغییرات و تحولات اجتماعی ناشی از فضای جهانی‌شدن فرهنگ آن‌ها را تضعیف کرده است.

موانع اجرایی پیشگیری اجتماعی از جرم

امروزه، واضح است که در راستای پیشگیری از جرم، اهمیت یک بخش از این مجموعه ترجیح معتابهی نسبت به دیگر قسمت‌ها ندارد؛ اما نقش سرمایه اجتماعی و ظرفیت‌های جوامع و سازمان‌های مدنی- اجتماعی در کمک به نهادها در راستای پیشگیری اجتماعی از جرم، اعم از پلیس یا مقامات محلی به عنوان تجربه‌ای ارزشمند مدنظر قرار گرفته است.

در حال حاضر، رهنمودهای سازمان ملل در اجرای پیشگیری اجتماعی از جرم، مجموعه‌ای از اصول و ضوابط برای پیشگیری از جرم و اجرایی‌کردن آنها را در بر دارد که از اهمیت به‌سزایی برخوردار است (شاو، ۱۳۹۴: ۱۷۷). بر این اساس، موانعی از قبیل عدم رهبری و نظارت دولت، فقدان توسعه اجتماعی و اقتصادی و ظرفیت‌های مربوطه و نارسایی در ارتقاء مشارکت و همکاری‌ها، عدم تداوم برنامه‌های پیشگیرانه اجتماعی و فقدان پاسخگویی، تأثیرناپذیری طرح‌ها از آموزه‌های جرم‌شناسی پیشگیری و توجه به رویکردهای زودبازده را می‌توان در کنار دیگر عوامل احصاشده به عنوان موانع اجرایی پیشگیری اجتماعی قلمداد نمود. بدون تردید، الگوهای مفیدتر و کارآمدتر پیشگیری از جرم که در عرصه‌های مختلف مؤثر واقع شده‌اند، تدابیری همچون اتحاد و یکپارچگی اجتماعی، ارتقاء سطح مشارکت مردم و بهره‌مندی از سیاست جنایی مشارکتی را مد نظر داشته‌اند.

تحقیقات جدید مبین آن است که شهروندان عموماً، حامی پیشگیری اجتماعی از جرم هستند و بدین منظور، خواستار پرداخت مالیات بیشتر جهت حمایت از برنامه‌های پیشگیری در قیاس با سایر پاسخ‌ها هستند و بدیل‌هایی همچون بازسازی و درمان مجرمین یا پیشگیری زودرس در دوران کودکی و نوجوانی اطفال در معرض خطر را حمایت می‌کنند (دارابی، ۱۳۹۵: ۵۱). به نظر می‌رسد تشریح و واقع‌نمایی تأثیرات مطلوبی که مدل پیشگیری اجتماعی می‌تواند در جامعه ایجاد کند، در اقلع سیاستمداران از اهمیت خاصی برخوردار است؛ برای مثال، درونی‌سازی هنجارها در مراحل کودکی و پیش‌دبستانی، آموزش مهارت‌ها به ایشان و برنامه‌های آموزشی برای والدین موجب بهبود رفتارهای اطفال در مدرسه و رعایت بهتر مقررات در جامعه می‌شود؛ همان‌گونه که اشتغال والدین، به نحو مقتضی، فرصت‌های مناسب آموزش خانواده و افزایش ثبات خانوادگی واجد محاسن انکارناشدنی در حوزه پیشگیری از جرم است (ولش و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۶). بنابراین، اگر دولت‌ها بدون رعایت‌نمودن شاخصه‌های آموزشی، پرورشی و تربیتی صرفاً نظارت بر افراد جامعه را از طریق

گونه‌ی پیشگیری موقعیت‌مدار افزایش دهند و همچنان ریشه‌های بزهکاری مثل فقر، بی‌سوادی، بیکاری، تبعیض و... در جامعه وجود داشته باشد، این موانع از پیشرفت راهبرد پیشگیری اجتماعی از جرم جلوگیری نموده یا موجب کندی در اجرا می‌گردد. بر این اساس، برخی از موانع مهم در پیشگیری اجتماعی از جرم شامل موارد ذیل می‌باشد:

بنداول: عدم برگزاری سمینارهای بین‌المللی جهت تعامل بیشتر

برگزاری سمینارهای بین‌المللی موجب می‌شود تا دولت‌ها ضمن بهره‌گیری از تجربیات و یافته‌های متولیان سیاست جنایی دیگر کشورها، مؤلفه‌های مطلوب و متناسبی را که قابل انطباق با موقعیت و شرایط آن‌هاست، به کار گیرند.

الف) فرهنگ‌سازی در راستای پیشگیری عمومی و خصوصی

نهادینه‌شدن رویکرد پیشگیری به عنوان ارزش و باور قلبی در میان مردم جامعه و مسئولان، ضریب موفقیت در این حوزه را افزایش داده و میزان مشارکت شهروندان را توسعه می‌بخشد.

ب) استفاده از تلفیق گونه (گونه ترکیبی) در خصوص پیشگیری از جرم

روشن است اتکا بر شیوه‌ی واحد در پیشگیری از جرم، دولت‌ها را در مواجهه با افزایش روزمره یاری نمی‌کند؛ به یقین، ترکیب و به‌کارگیری گونه‌های متنوع پیشگیری از جرم کاستی‌های هر یک از شیوه را پوشش می‌دهد.

ج) تفویض اختیار و بهره‌گیری از مدیریت معین

متمرکز نمودن قدرت تصمیم‌گیری بدون تفویض اختیار به سایر کنش‌گران و مدیران میانی و اجرایی این حوزه، از آسیب‌هایی است که اجرای طرح‌های پیشگیرانه را با انسداد مواجه می‌سازد. رعایت این مهم در کنار جلوگیری از موازی‌کاری برنامه‌ریزی متشتت از اهمیت بسزایی برخوردار است.

بند دوم: عدم بکارگیری آموزه‌های نظری در عمل

بدیهی است مادامی که آورده‌های محققین جنبه عینی و عملی نیافته و در تدابیر و اقدامات پیشگیرانه تبلور نیابد، بهره‌وری موثری رقم نخواهد خورد. این امر بدان معناست که هر چه تعامل جامعه‌ی دانشگاهی و علمی با واضعان سیاست جنایی بیشتر باشد، برنامه‌ریزی، اجرا و

ارزیابی اقدامات از انسجام و قدرت بالاتری برخوردار بوده و کمتر دچار ضعف و شکست خواهد شد.

الف) ایجاد شرایط لازم برای تبادل نظر پیرامون طرح‌های پیشگیرانه
لازم است قبل از نهایی شدن طرح‌های پیشگیری از جرم، جلساتی با حضور مسئولین و متخصصین مربوطه جهت تضارب آرا صورت پذیرد. این اقدام موجب می‌شود تا ضعف‌های احتمالی طرح‌ها شناسایی و مرتفع شود.

ب) پیشگیری از جرم در پرتو گونه‌های جدید مدیریت
روزآمد بودن دانش معطوف به جرم‌شناسی پیشگیری و استفاده از تجربیات مدیریتی جدیدی که کشورهای پیش‌رو در این خصوص به دست آورده‌اند، در تقویت و افزایش بهره‌وری سیاست‌های پیشگیرانه‌ی دولت‌ها مؤثر خواهد بود.

ج) ارتقاء برنامه‌های سنجش طرح‌های پیشگیرانه
بدون تردید، یکی از مهم‌ترین مراحل اجرای طرح‌های پیشگیری از جرم، ارزیابی آن پس از بکارگیری تدابیر و اقدامات مدنظر است. فقدان برآوردهای کمی و کیفی پس از اجرا موجب عدم آگاهی مردم و مسئولین از میزان موفقیت یا شکست طرح‌های پیشگیرانه خواهد بود.

د) بند سوم: عدم همگرایی نهادهای دولتی در حوزه پیشگیری از جرم
وجود رویکردی جامع، هم‌افزایی، اتحاد و یکپارچگی میان نهادهای دولتی و قضایی از شکل‌گیری تضادها و یا دفع اقدامات برنامه‌ریزی شده در نهادهای اجرایی جلوگیری می‌کند.

ه) الف) ایجاد شبکه‌ی واصل میان کنشگران پیشگیری از جرم
وجود سازوکارهای ارتباطی میان مجریان و عناصر حوزه‌ی پیشگیری از جرم، ضمن تسهیل مدیریت و ایجاد وفاق همگانی، اطلاع‌رسانی لازم را محقق می‌سازد. در این خصوص، رسانه‌ها، گروه‌های مرجع و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند نقش مهمی را ایفا نمایند.

ب) رویکرد حرفه‌ای در برنامه‌ریزی برای پیشگیری از جرم

واقع‌گرایی و اجتناب از نگرش‌های احساسی یا آرمانی در مراحل چهارگانه‌ی طرح‌های پیشگیری از جرم، مقوله‌ای انکارناشدنی در افزایش بازدهی سیاست‌های پیشگیری از جرم است.

ج) اعتقاد مسئولان به فرابخشی بودن پیشگیری از جرم

یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی دولت‌ها در خصوص پیشگیری از جرم این است که وقتی بخش یا نهاد معین به عنوان مجری و متولی عرصه‌ی پیشگیری از جرم معرفی می‌شود، سایر دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی از این حوزه فاصله می‌گیرند؛ این درحالی است که پیشگیری، امری فرابخشی بوده و نهادینه‌شدن این مهم به عنوان وظیفه‌ی آحاد مسئولان و مدیران نهاد در جامعه می‌تواند موجب تحول و پویایی هرچه بیشتر تدابیر و اقدامات پیشگیرانه شود.

بند چهارم: عدم تدابیر پیشگیری مشارکتی

سیاست جنایی مطلوب در امر پیشگیری، سیاست‌جنایی مشارکتی است که از برآیند همکاری‌های دولت و شهروندان حاصل می‌شود؛ بر این اساس، استفاده از بخش‌های خصوصی و ظرفیت جامعه‌ی مدنی موجب اعتلا و ارتقاء نتایج اقدامات پیشگیرانه خواهد شد.

الف) مشارکت جامعه‌ی محلی و شهروندان

همکاری و جامعه‌ی محلی در فعالیت‌های پیشگیری از جرم و معطوف‌نمودن برخی طرح‌ها به تشریک مساعی ساکنان محله‌ها موجب می‌شود تا ابتدایی‌ترین لایه‌های جامعه که به طور ملموس با بزهکاری و نارسایی مواجه هستند، متولیان سیاست جنایی را یاری دهند.

ب) مشارکت نهادهای دولتی و جامعه‌ی

بهره‌مندشدن از مساعدت‌های سازمان‌های غیردولتی مردم‌نهاد به همراه نهادهای دولتی، یکی دیگر از شاخصه‌های جنایی مشارکتی در راستای پیشگیری از جرم است. در این خصوص، تأمین منابع مالی طرح‌ها از طریق مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی حائز اهمیت است.

بند پنجم: عدم مدیریت مطلوب سیاست‌های پیشگیری

فرابخشی بودن از وقوع جرم و همچنین، میان‌رشته‌ای بودن آن مستلزم حضور افراد و دستگاه‌های مختلف و با تخصص گوناگون است؛ با این حال، وجود مدیریتی جامع که بتواند زمام امور را به نحو شایسته در دست گرفته و نظارت کیفی را بر راهبردهای پیشگیرانه به طور دقیق و هدفمند انجام دهد، ضروری است.

الف) ضابطه‌مداری طرح‌های پیشگیری

همواره، اولویت‌بندی طرح‌ها بر اساس نیاز و ضرورت، تخصیص بودجه‌ی کافی و برنامه‌ریزی بر مبنای نتایج به‌دست‌آمده یا ناکافی طرح‌ها به عنوان شاخصه‌های مهمی در ضابطه‌مداری طرح‌ها مدنظر است.

ب) مدیریت علمی در پیشگیری از جرم

اذعان به پیشگیری علمی به همراه بهره‌مند شدن از علم مدیریت در تدوین راهبردها و اجتناب از رویکردهای مدیریت سنتی می‌تواند بهبود و تقویت طرح‌های پیشگیرانه را در برداشته باشد.

ج) آموزش مدیران

روشن است که مدیریت مطلوب سیاست‌های پیشگیرانه مستلزم فرایند منظم و مدون برنامه‌های آموزشی برای مسئولین و برنامه‌ریزان حوزه‌ی پیشگیری از جرم است. این مهم موجب به‌روزشدن اطلاعات ایشان و پویایی مدیریت در این خصوص خواهد شد.

بند ششم: عدم توجه منطقی طرح‌های پیشگیری از جرم

مستدل بودن برنامه‌های پیشگیرانه و مقبولیت آن‌ها در میان مسئولین و جامعه‌ی مدنی موجب می‌شود که ضریب همبستگی ایشان در راستای اقدامات پیشگیرانه افزایش یافته و میزان موفقیت طرح‌ها ارتقاء یابد.

الف) تحقق اهداف اصلی تدابیر پیشگیرانه

بدون تردید، تمرکز بر اصول اولیه‌ی لازم جهت ثمربخشی طرح‌ها و اقدامات پیشگیرانه و محقق شدن مقصود متولین پیشگیری منوط به سعی و کوشش پایدار فعالان عرصه پیشگیری از جرم است.

ب) به کارگیری گونه های پیشگیری از جرم در سطوح مختلف

تنوع شیوه های پیشگیری از جرم و از طرفی، به کارگیری آن ها در سنین مختلف بزهکاران در جامعه موجب می شود تا گونه ای متناسب پیشگیری از جرم در سطوح مختلف نوجوانان - جوانان و بزرگسالان لحاظ گردد؛ بر این اساس، استفاده از رویکرد پیشگیری اجتماعی در سطوح مختلف جامعه ضروری است.

بند هفتم: عدم رعایت اصول پیشگیری از جرم

مدنظر داشتن مبانی و اصول جرم شناسی پیشگیری و تأسی از نظریه های کارآمد و علمی که در آن ها تبیین ریشه ها و مصادیق بزهکاری به نحو مطلوب صورت پذیرفته است، متولیان حوزه ی پیشگیری را در طراحی و تدوین تدابیر مناسب یاری می دهد.

الف) کانون های جرم

مشخص نمودن مکان هایی که مستعد بزهکاری است یا مناطقی که از آمار بالای جرائم برخوردار است، به عنوان یکی از قواعد پیشگیری از اهمیت بسزایی برخوردار است که می بایست در طراحی تدابیر پیشگیرانه در الویت قرار گیرد.

ب) اصول ارزشی و موقعیت گروه های هدف

متولیان و مجریان سیاست های کنترل جرم می بایست همواره این اصل را که انسان بد مطلق وجود ندارد و بزهکاران اصلاح پذیر هستند، مد نظر داشته و شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... جامعه ی هدف را در پیشگیری لحاظ نمایند.

ج) جلوگیری از تضعیف طرح های پیشگیری

بازگون نمودن موفقیت های حاصله از اجرای اقدامات پیشگیرانه و تلاش در جهت به حاشیه نرفتن طرح ها از دیگر شاخصه های الگوی بهینه سازی سیاست های پیشگیری از جرم است (دارابی، ۱۳۹۵: ۷۹) که می بایست مطمح نظر قرار گیرد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی موانع و محدودیت های اجرای راهبرد پیشگیری اجتماعی از جرم در ایران انجام شد. نتایج این پژوهش در مورد نظریات اندیشمندان نشان داد که به لحاظ حقوقی، آنچه که باعث می شود رفتاری انحرافی به عنوان جرم شناخته شود، وجود قوانین

است. هر جا که قانون وجود دارد، جرم نیز وجود دارد؛ زیرا ساده‌ترین تعریف جرم عبارت است از هر شیوهی رفتاری که قانون را نقض می‌کند. با این حال، جرم‌شناسان فرهنگی جرم را به شکل زیر تعریف می‌کنند: جرم یک فعالیت یا یک واقعیت انسانی است که از نظر ماهیت فرهنگی، محصول نظم اجتماعی به حساب می‌آید، نظمی که همه ما در هر لحظه تاریخی مشخص در آن زندگی می‌کنیم. به عبارت دیگر، جرم دربرگیرنده تجربیات و رفتارهای زندگی روزمره تمام اعضای جامعه است؛ گویی که هرچه که تاریخ به پیش رفته است، انگشت اتهام تبیین‌های جرم از افراد واگرائیده و به سمت جامعه و ساختار ذهنیت و قدرت چرخیده است. مفاهیم اساسی که در نظریه کلاسیک مورد توجه قرار گرفت، عبارتند از: ۱. ارائه تعریف قانونی و مشخص از جرم. ۲. تأکید بر اینکه جرم عملی است که قانون و حقوق افراد یا جامعه را نقض می‌کند. ۳. کانون تحلیل در این نظریه بر عمل مجرمانه و جرائم خاصی که در عالم واقع رخ داده است، می‌باشد. ۴. در این مکتب، مجرم فردی عاقل و دارای اراده سالم فرض می‌شود که با گزینش فردی و به علت تصمیمات غیرعقلانی دست به ارتکاب جرم می‌زند. همچنین، مکتب تحقیقی بر اساس اصل برداشت علمی از جرم به دنبال این بود که معیارهای ویژه‌ای که باعث پیدایش رفتار منحرفانه یا مجرمانه می‌شود را مورد مطالعه قرار بدهد. نظریه اثبات‌گرایی زیست‌شناختی برای اولین بار توسط نوشته‌های لمبروزو مطرح شد. این نظریه‌پرداز سعی داشت گروه‌های مختلف انسانی را از هم متمایز کند و گروه‌های انسانی را برحسب تفاوت‌های نژادی و بیولوژیکی طبقه‌بندی کند. بنابراین، مکتب فرد مجرم متولد می‌شود، نه اینکه تبدیل به یک فرد مجرم گردد.

در ایده مدرن، نتایج نشان داد که انسان از طریق دانش علمی تولید شده است که می‌تواند محیط (طبیعت) را کنترل کند. در این مسیر، علوم اجتماعی با تاسی از علوم طبیعی به دنبال راه‌هایی است تا بتواند زندگی انسانی و اجتماعی و بخصوص، مسائل اجتماعی را مدیریت و کنترل نماید.

از دید دورکیم، در عمل، جرم احساسات یا وجدان جمعی، یعنی همان ارزش‌های مشترک را جریحه‌دار می‌کند. مرتون بر آن است که انحراف از ساختار و فرهنگ جامعه سرچشمه می‌گیرد. وی استدلال خود را با معیار توافق جمعی درباره ارزش‌ها آغاز می‌کند و معتقد است که تمام اعضای جامعه در ارزش‌های مشترک سهیم‌اند؛ اما از آنجایی که اعضای جامعه از لحاظ ساختارهای اجتماعی در موقعیت‌های مختلفی قرار می‌گیرند، برای درک ارزش‌های

مشترک از فرصت‌های مساوی برخوردار نیستند. چنین وضعی ممکن است موجب انحراف شود.

به عقیده جرم‌شناسان پست‌مدرن، تمام نظریه‌هایی که در دوره مدرن و با رویکرد اثباتی در پی شناخت علل بنیادین جرم بودند، قابل قبول نیستند، بلکه نظریه‌های جرم‌شناسی همیشه محلی، جزئی و تصادفی و تحت تأثیر قدرت هستند و نمی‌توانند حقیقت مطلق جرم را آشکار سازند. طبق دیدگاه فوکو، وظیفه کلی جرم‌شناسی واقعاً حل مسأله جرم نیست، بلکه برای رشد، سازماندهی، قدرت و نظارت است.

در نتیجه، در عصر حاضر، نظریه‌پردازان جرم‌شناسی، با این که بر اقدامات پیش‌واکنشی از وقوع جرم، از طریق اصلاح شرایط محیط فیزیکی و کاهش فرصت ارتکاب جرم تأکید دارند، ولی پیشگیری از وقوع جرم را از طریق اصلاح محیط اجتماعی، مهم، اثربخش و عقلانی قلمداد می‌کنند.

به طور کلی، پیشگیری از جرم در ایران در سه حوزه «تحقیق و پژوهش»، «تدوین» و «برنامه‌ریزی و اجرا» دارای مشکلات فراوان است. مهم‌ترین مشکل، نبود مدیریت و سازمان واحد برای تصمیم‌گیری و ایجاد هماهنگی لازم بین نهادهای ذی‌ربط در این زمینه است. همین امر باعث بروز مشکلات و موانع دیگری در اجرای بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی شده است. برخی از موانع و مشکلات شامل: نبود یک سیاست هماهنگ و جامع در زمینه پیشگیری از جرم، نبود همکاری میان دستگاه‌های مسئول در امر پیشگیری از جرم و فعالیت‌های متعدد و پراکنده و بی‌هدف از سوی آن‌ها، دیدگاه‌های متفاوت و گاه متناقض سازمان‌های مسئول در امر پیشگیری از جرم، مشارکت ضعیف مردم و سازمان‌های غیردولتی به دلیل فراهم‌نبودن زمینه مشارکت، بی‌توجهی به مطالعات و پژوهش‌های میدانی و مبتنی‌نبودن پاسخ‌ها و اقدام‌ها بر مطالعه و تطبیق، توسل گسترده به پاسخ‌های واکنشی، مقطعی و شبه‌کیفری، سرمایه‌گذاری محدود و توزیع نامناسب بودجه، استفاده‌نکردن از کارشناسان پیشگیری در خصوص انجام اقدام‌های پیشگیرانه، نبود ارزیابی از فعالیت‌های پیشگیرانه و نظام ناکارآمد آمار جنایی است.

اما در رابطه با پیشگیری اجتماعی، این پژوهش ابتدا، با بررسی پیامدهای بحران هویت بر فرایندها و منابع هویت‌سازی مؤثر بر جامعه‌پذیری، تأثیرپذیری پیشگیری اجتماعی از بحران هویت فرهنگی را مورد بررسی قرار داد. بر این اساس، پیشگیری اجتماعی از جرم، مبتنی بر جامعه‌پذیری و پیوند فرد با جامعه و ادغام در شبکه روابط اجتماعی است. این جامعه‌پذیری در بستر نظام فرهنگی و ارزشی و در نتیجه، یگانگی فرد با عناصر فرهنگی صورت می‌گیرد و

هویت فرد که در نتیجه شناسایی فرد از خویشتن و واقعیت‌های پیرامون آن شکل می‌گیرد، به عنوان عامل پیوند فرد و جامعه، مؤلفه مهم جامعه‌پذیری است. احساس هویت در هر جامعه‌ای نیز وابسته به فرایند سازگاری با محیط اجتماعی و همبستگی و پیوند با ارزش‌های جامعه است که با آسیب‌دیدن آن، بحران هویت پدیدار می‌گردد. هویت بحران‌زده که در نتیجه نگرش فرد به عناصر اثرگذار و سازنده شخصیت وی پدید می‌آید، فرد را ناتوان از جامعه‌پذیری و وفاق اجتماعی می‌سازد.

بنابراین، موضوع بحران هویت عامل مهم و تأثیرگذاری است که فرایند فرهنگ‌پذیری و در نتیجه، به تبع آن، جامعه‌پذیری را با آسیب مواجه می‌کند. بحران هویت و خلأ فرهنگی ناشی از آن که در نتیجه تنوع منابع نفوذ و تضعیف یا فقدان هنجارهای سنتی ایجاد می‌شود، به عنوان مانع فرهنگی جامعه‌پذیری، نظام معناسازی و ارزش‌گذاری فرد را که موجب وفاق اجتماعی و پیوند با جامعه می‌گردد، با آسیب مواجه می‌سازد.

همچنین، در این پژوهش، با تبیین تغییرات اجتماعی فراگیر ناشی از جهانی‌شدن فرهنگ، تأثیرگذاری این تغییرات بر پیشگیری اجتماعی از جرم مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس یافته‌های این پژوهش، تحولات اجتماعی در روابط و نهادهای اجتماعی، جامعه‌پذیری را به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشگیری اجتماعی از جرم، در برابر مسائل جدیدی قرار می‌دهد. بنابراین، امروزه، آشنایی و درک فزاینده‌ای نسبت به نیاز پیشگیری اجتماعی بجای استفاده از راهبردهای ترمیمی در جوامع در حال شکل‌گیری است که به موجب آن بایستی عوامل فرهنگی و اجتماعی جرم‌زا ریشه‌کن شوند. در این راهبرد پیشگیرانه بایستی مقتضیات و حساسیت‌های فرهنگ و نظام فرهنگی به عنوان فضا و زیرساخت توسعه انسانی مورد توجه قرار گیرد و هیات اجتماع (جامعه مدنی، سازمان‌های مردم‌نهاد و دیگر کنشگران) توانایی‌های لازم برای مدیریت پیشگیری پایدار بر مبنای واقعیات نظام فرهنگی و اجتماعی را فرا گیرند، از مشارکت و خلاقیت جامعه برای پیشگیری اجتماعی استفاده شود و جامعه قابلیت و توان لازم برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی را بیاموزد.

راهبرد پیشگیری اجتماعی از جرم در فضای جهانی‌شدن فرهنگ و درحالی که عوامل متعددی بیرون از اراده دولتها بر فرهنگ‌پذیری تأثیر می‌گذارند و موجب بی‌بستر شدن و تضعیف روابط اجتماعی می‌گردند، مستلزم پیوستی است که در آن، الزامات فرهنگی پیشگیری اجتماعی از جرم مورد توجه قرار گیرد.

امروز، فرایندهای جهانی تا حدودی سازنده‌ی واقعیت اجتماعی در همه جا هستند. زندگی اجتماعی را نه در قالب یک نظم محدود و معین مکانمند، بلکه در گستره‌ی زمان و فضای جهانی باید شناسایی و بررسی کرد. فرایند جهانی شدن، جوامع را از فضای ملی و حتی محلی خارج نموده است، به طوری که دیگر نمی‌توان جامعه را در قالب نظام اجتماعی محدود لحاظ نمود؛ بلکه باید آن را در یک فضای اجتماعی متکثر و شبکه‌ای فهمید. وجود چنین شرایطی اقتضای تحول پارادایمیک در مباحث نظری از حیث محتوا و سطح تحلیل دارد.

جامعه در فضای جهانی شدن فرهنگ و در نتیجه، گسترش فرهنگ جهانی، تغییرات اجتماعی گسترده و شتابان را در نهادها و روابط اجتماعی تجربه می‌کند. با نفوذ ارزش‌های جدید و تعارض آنها با ارزش‌های گذشته، نظم اجتماعی فراگیر تحلیل می‌رود، همبستگی اجتماعی تحدید می‌گردد و اثربخشی هنجارهای فرهنگی به سبب تغییرات شدید فرهنگی و اجتماعی ناشی از جهانی شدن تضعیف می‌شود. بنابراین، جامعه در برابر دو فرایند همزمان تضعیف و فروپاشی ارزش‌های گذشته و ظهور ارزش‌های جدید، متکثر و متعارض قرار می‌گیرد. در نتیجه شکاف میان ارزش‌های گذشته و جدید، نهادهای اجتماعی که وظیفه جامعه‌پذیر کردن و ادغام اجتماعی افراد جامعه را برعهده دارند، تضعیف می‌شوند و نمی‌توانند مشارکت افراد جامعه را برای صیانت از نظام ارزشی جلب کنند. در نتیجه، پیشگیری اجتماعی که وابسته به جامعه‌پذیری و تطابق فرد با نظام ارزش‌هاست، با مسائل جدی مواجه می‌گردد.

تغییر گسترده در روابط اجتماعی، گسست در وفاق اجتماعی و تقلیل سرمایه اجتماعی و تضعیف نهادهای مرجع نفوذ که تحت تأثیر عامل فرهنگی جهانی شدن فرهنگ به وجود می‌آیند، فرایند جامعه‌پذیری افراد و در نتیجه، پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازند. با جهانی شدن فرهنگ و تشدید روابط فرهنگی و اجتماعی، وفاق و پیوستگی فرهنگی که موجب استحکام و استمرار ساخت اجتماعی جامعه می‌باشد، فروپاشیده و نسل جدیدی از ارزش‌ها و هنجارها شکل می‌گیرد که در تعارض با نظام ارزشی و هنجاری جامعه است. با ورود جریان‌های متکثر و متعارض فرهنگی به فضای فرهنگی جامعه در اثر نفوذپذیری مرزها، خانواده و دیگر نهادهای اجتماعی نمی‌توانند وظایف و نقش‌های خود را در رابطه با جامعه‌پذیری افراد به‌درستی ایفا کنند. در نتیجه تحولات و تغییرات اجتماعی فراگیر ناشی از جهانی شدن فرهنگ، نظام پیشگیری اجتماعی از جرم نیازمند بازتعریف و نوسازی بر اساس نگاهی فراگیر و شناختی جامع از هویت تغییرات اجتماعی ناشی از جهانی شدن فرهنگ می‌باشد.

در نتیجه، با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که پیشگیری اجتماعی ناظر به مرحله پیش از ارتکاب جرم است و تلاش دارد تا بسترهای اجتماعی ارتکاب جرم را کاهش دهد. این نوع از پیشگیری اقدام به اصلاح و بهینه‌سازی شخصیت افراد و ساختارهای اجتماعی می‌نماید. متأسفانه، قانونگذار در حیطه وظایف قوه مجریه صراحتاً به پیشگیری از جرم اشاره ننموده و این امر موجب شده است تا در برنامه‌ریزی و حتی پیش‌بینی بودجه این قوه، پیشگیری از جرم دارای جایگاه مشخصی نباشد؛ در حالی که بسیاری از وظایف این قوه می‌تواند جنبه پیشگیرانه داشته باشد و عملکرد وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های زیرمجموعه دولت تأثیر قابل ملاحظه‌ای در این امر دارد. در رویکرد جامعه‌مدار، قوه مجریه از طریق وزارتخانه‌های متعدد خود، خصوصاً وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اقدام به اصلاح شرایط اقتصادی و رفاهی جامعه می‌نماید. در رویکرد رشدمدار نیز این قوه به واسطه نهادهای فرهنگی تابعه خود و همین‌طور وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، وزارت بهداشت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در راستای ارتقای فرهنگ عمومی جامعه و به منظور بهبود شخصیت فردی شهروندان گام برمی‌دارد؛ اما همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان گردید، به دلیل فقدان الزام قانونی صریح برای قوه مجریه، سیاست‌گذاری و سازمان‌دهی مشخصی در این امر وجود ندارد.

پیشنهادها

۱) توسعه متوازن و نظام‌مند در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، نظارت بر اجرای صحیح قوانین، توسعه فرهنگ نظارت و کنترل‌های غیررسمی در جامعه از طریق نهادهای رسمی و غیررسمی می‌تواند موجب تثبیت، رشد، پایداری، توسعه و تقویت هنجارهای پذیرفته‌شده و پایبندی به قوانین شده و در نتیجه، پیشگیری اجتماعی از جرم را در جامعه محقق می‌سازد.

۲) از آنجا که گزینه فرهنگ توانسته است در بیش‌تر جوامع نقش معناداری را در شیوه‌ی رفتار، عملکرد و تصمیم‌گیری‌های افراد آن جامعه به خود اختصاص دهد، پس در این ارتباط پیشنهاد می‌شود روش‌های گوناگون آموزش همگانی با توجه به فرهنگ بومی مناطق مختلف جامعه و براساس فرایند مدرنیزاسیون که پیش‌تاز نوسازی جامعه و تغییرات اجتماعی است، مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد.

منابع

- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۲). مجموعه رویه های بین المللی پیشگیری از جرم. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- آرون، ریمون. (۱۳۷۷). *مراحل اساسی سیراندیشه در جامعه شناسی*. ترجمه باقر پرهام. انتشارات علمی و فرهنگی.
- آشوری، محمد. (۱۳۸۸). *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم. سمت.
- بیرو، آلن. (۱۳۶۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. کیهان.
- جندلی، منون. (۱۳۹۳). *درآمدی بر پیشگیری از جرم*. ترجمه و تحقیق: شهرام ابراهیمی. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). *لغت نامه ی دهخدا*. جلد دوم. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رابرتسون، رونالد. (۱۳۸۵). *جهانی شدن: تئوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی*. ترجمه کمالی پولادی. چاپ اول. ثالث.
- رجایی، فرهنگ. (۱۳۸۳). *مشکله هویت ایرانیان امروز: ابقیای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ*. نی.
- کاری یو، روبیر. (۱۳۸۱). *مداخله روان شناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه*، ترجمه استاد علی حسین نجفی ابرندآبادی. *تحقیقات حقوقی*، (۳۵-۳۶)، ۲۶۷-۳۰۴.
- https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56558.html
- شاطری پور، شهید. (۱۳۹۱). «جهانی شدن فرهنگ و تأثیر آن بر پیشگیری اجتماعی از جرم در ایران». [رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران].
- شاو، مارگارت. (۱۳۹۱). *رهنمودهای علمی پیشگیری از جرم*، ترجمه: عبدالرضا جوان جعفری و سید مهدی ثانی زاده. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- صفاری، علی. (۱۳۸۷). *کیفرشناسی*. چاپ چهارم. جنگل.
- غلامی، حسین. (۱۳۸۳). *پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی*. پژوهش حقوق عمومی، ۶(۱۱)، ۱۵۹-۱۳۱.
- https://qjpl.atu.ac.ir/article_2973.html
- گیدنز، آتوننی. (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه محسن ثلاثی. مرکز.
- لازرژ، کریستین. (۱۳۹۲). *درآمدی بر سیاست جنایی*. ترجمه: علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ چهارم. بنیاد حقوقی میزان.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۷). *پلیس و سیاست پیشگیری از جرم*. چاپ اول. دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- محمودی جانکی، فیروز و قورچی بیگی، مجید. (۱۳۸۸). *نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم*. فصلنامه حقوق، ۳۹(۲)، ۳۶۷-۳۴۵.

https://jfq.ut.ac.ir/article_20085.html

-مهدوی، محمود. (۱۳۹۰). *پیشگیری از جرم (پیشگیری رشد مدار)*. چاپ اول. سمت.
-مهدی پور، اعظم و شهرانی کرانی، نجمه. (۱۳۹۳). *امنیتی شدن جرم شناسی، راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری*. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۵(۱)، ۱۵۹-۱۸۸.

https://jol.guilan.ac.ir/article_644.html

-نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (۱۳۹۳). *درآمدی بر اساسی سازی حقوق کیفری، در تکاپوی حقوق عمومی*. گرجی، علی اکبر، چاپ نخست. جنگل.

- Atkinson, A. J. (2001). "School Resource Officers: Making Schools Safer And More Effective", The Police Chief.
- Brown, J. H. and Kreft, I. G. G. (1998). "Zero Effects of Drug Prevention Programs: Issues and Solutions", *Evaluation Review*, Vol. 22 No. 1
- Brown, Sheila (2005). *understanding youth and crime*, open university press, Mc graw-hill education.
- Gassin- R. (2003). *Criminologie*, 5Ed.
- Held, David & Anthony McGrew, (2003). *The global transformations reader*, Cambridge, Polity Press.
- Inda, J. X. & R. Rosaldo, (2002). *A world in motion: The anthropology of globalization*, Oxford, Blackwell.
- Johnson, I. M. (1999). *School violence: the effectiveness of a school. resource officer program in a southern city*", *Journal of Criminal Justice*, Vol. 27 No. 2
- Visher.C.A & L.Winterfield & M.B.Coggeshall (2005). "ex-ofender employment programs and recidivism:a meta analysis". *journal of experiential criminology*. no.1.